



مرکز تحقیقات اسلامی

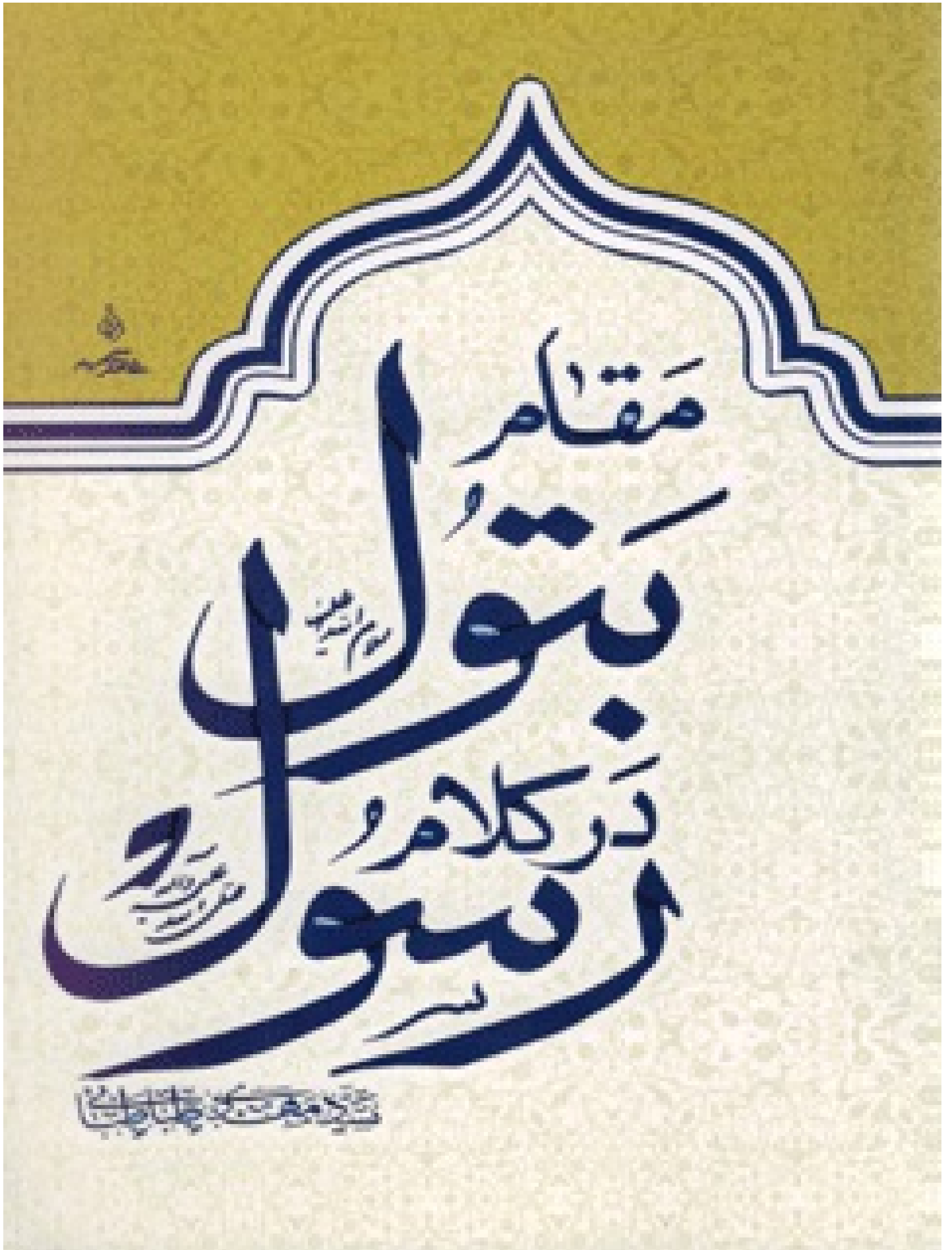
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقام بتول (عليها السلام) در كلام رسول (صلى الله عليه و آله و سلم)

نويسنده:

سيد مهدى طباطبايى

ناشر چاپي:

نقش نگين

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مقام بتول (علیها السلام) در کلام رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۴	حدیث اول:
۱۴	حدیث دوم:
۱۴	حدیث سوم:
۱۵	حدیث چهارم:
۱۵	حدیث پنجم:
۱۵	حدیث ششم:
۱۵	حدیث هفتم:
۱۶	حدیث هشتم:
۱۶	حدیث نهم:
۱۷	حدیث یازدهم
۱۷	حدیث دوازدهم
۱۷	حدیث سیزدهم
۱۸	حدیث چهاردهم:
۱۹	حدیث پانزدهم:
۱۹	حدیث شانزدهم:
۲۰	حدیث هفدهم:
۲۱	حدیث نوزدهم
۲۱	حدیث بیست و یکم:
۲۱	حدیث بیست و دوم:

- ۲۵ حدیث بیست و نهم:
- ۲۶ حدیث سی ام:
- ۲۶ حدیث سی و یکم:
- ۲۷ حدیث سی و دوم:
- ۲۷ حدیث سی و سوم:
- ۲۹ حدیث سی و چهارم:
- ۳۰ حدیث سی و پنجم:
- ۳۱ حدیث سی و ششم:
- ۳۲ حدیث سی و هفتم:
- ۳۲ حدیث سی و هشتم:
- ۳۲ حدیث سی و نهم:
- ۳۳ حدیث چهل:
- ۳۳ حدیث چهل و یکم:
- ۳۴ حدیث چهل و دوم:
- ۳۵ حدیث چهل و سوم:
- ۳۵ حدیث چهل و پنجم:
- ۳۶ حدیث چهل و ششم:
- ۳۶ حدیث چهل و هفتم:
- ۳۶ حدیث چهل و هشتم:
- ۳۷ حدیث چهل و نهم:
- ۳۷ حدیث پنجاهم:
- ۳۹ حدیث پنجاه و یکم:
- ۴۰ حدیث پنجاه و دوم:
- ۴۰ حدیث پنجاه و سوم:
- ۴۱ حدیث پنجاه و چهارم:
- ۴۱ حدیث پنجاه و پنجم:

۴۲ حدیث پنجاه و ششم :

۴۲ حدیث پنجاه و هفتم:

۴۳ حدیث پنجاه و هشتم:

۴۳ حدیث پنجاه و نهم:

۴۴ حدیث شصت و یکم:

۴۴ حدیث شصت و دوم:

۴۹ حدیث شصت و سوم:

۵۲ حدیث شصت و پنجم:

۵۲ حدیث شصت و ششم:

۵۳ حدیث شصت و هفتم:

۵۴ حدیث شصت و هشتم:

۵۴ حدیث شصت و نهم:

۵۵ حدیث هفتادم:

۷۱ درباره مرکز

مقام بتول (علیها السلام) در کلام رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبائی، سیدمهدی، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور: مقام بتول (علیها السلام) در کلام رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) / جمع آوری سیدمهدی طباطبائی.

مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین، 1397.

مشخصات ظاهری: 56ص.

شابک: 50000ریال: 0-200-329-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق. -- احادیث

Muhammad, Prophet -- Hadiths: موضوع

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14

Hadith (Shiites) -- Texts -- 20th century

رده بندی کنگره: 175ط/BP22/9/8 1397

رده بندی دیویی: 297/93

شماره کتابشناسی ملی: 5083591

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

مقام بتول در کلام رسول

جمع آوری: سیدمهدی طباطبائی

ص: 3

پیشگاه دردانه صدف آفرینش یگانه همه زمان ها و مکان ها علی علیه السلام که زبان و بیان و کلام و اقلام از وصیف فضائلش عاجزند!

ص: 4

به نام آنکه زهرا آفریده

ز نور او جهان را آفریده

و اما فاطمه زهرا سلام الله علیها

کسی را نرسد که درباره عظمت حضرتش بتواند کلامی بر زبان و از مقاماتش شمه ای در بیان آرد ذره ناچیز را چه مدح آفتاب و حباب رو به زوال را چه جای وصف دریا ما کجا و مقامات عصمت کبری کجا؟ از ما همین برآید که به او محبت بورزیم و سر تعظیم و تکریم برآستانش بسائیم و عجز و ناتوانی خویش را بر زبان آوریم، دست توسل بر عصمت کبریائی اش دراز کنیم و از روح بلندش مدد جوئیم و بر شفاعتش امیدوار باشیم که در دو عالم دستگیرمان باشد و ما را از فرو افتادن به منجلاب

خود پرستی ایمنی بخشد و به صراط مستقیم خداجوئی رهنمائی کند.

اما برای شناخت او چه کلامی بالاتر از کلام پدر بزرگوارش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم که به منبع علم الهی متصل و به مقام والای (ما یَنطِقُ عَنِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ لَا یُوحَىٰ) متّصف است و آنچه می گوید با واسطه و بی واسطه از جانب حق متعال و مقام ذوالجلال جلّ جلاله می باشد.

ص: 5

ما در این وجیزه ناچیز که با عنوان «مقام بتول در کلام رسول» به زیور طبع آراسته شد هفتاد حدیث شریف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در وصف و شأن فاطمه زهرا سلام الله علیها آورده، تقدیم به ارادت مندان آن حضرت نمودیم و همانند کسی که در کنار اقیانوسی بیکران نشسته، به اندازه بضاعت مزاجه خود و ظرفیت سبوی معرفت خویش جُرعه هائی از آب زلال و حیات بخش فرمایشات نبوی برداشت نمودیم. باشد تا مورد قبول درگاه با عظمت بانوی دو عالم قرار گیرد.

ذکر این نکته ضروری است که بنده ناچیز مخاطب این کتاب را جوانان فارسی زبان قرار داده ام و لذا آوردن متن عربی را لازم ندانستم بخصوص که امروز با کم حوصله شدن جوانان از یک طرف و جاذبه های دنیای مجازی از طرف دیگر، کوتاه بودن مطلب برای خواننده یک ضرورت انکار ناپذیر است.

مع الوصف در پاورقی هر صفحه نشانی حدیث آورده شده تا لاقمندان

بتوانند به متن عربی آن هم دست پیدا کنند.

شرط انصاف است که از زحمات سرکار خانم شقایق باخویش (محمدی) که در آماده سازی این اثر زحمات زیادی را متحمل شدند تقدیر و تشکر کنم و از ساحت قدس حضرت زهرا سلام الله علیها برای ایشان بهترینها را در دنیا و آخرت آرزو نمایم.

سید مهدی طباطبائی

11 بهمن ماه 1396

ص: 6

حدیث اول:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نام دخترم «فاطمه» از این جهت است که:

فاطمه و شیعیان او و ذریّه اش را از آتش باز داشته و برکنار داشته اند. (1)

حدیث دوم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نام دخترم، زهرا سلام الله علیها نامیده شده است بخاطر اینکه خداوند تبارک و تعالی او را از نور عظمت خود آفریده است. (2)

حدیث سوم:

سلمان رضوان الله علیه گفت:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با تبسم به من رو کرده و فرمود:

خداوند تبارک و تعالی فاطمه سلام الله علیها را به واسطه فرشتگان بزرگواری که او را کمک می کنند توانائی و نیرو بخشیده است. (3)

ص: 7

1- دلائل الامامه ص 149 ح 60 كشف الغمه / 464 به نقل از القطره ج 1 ص 409 ح 9 و 10

2- همان

3- الثاقب في المناقب 301 ح 254 به نقل از القطره ج 1 ص 409 ح 11 به صورت اختصار.

حدیث چهارم:

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

ای علی، خداوند تبارک و تعالی فاطمه سلام الله علیها را به تو تزویج کرد و مهریه او را تمام زمین قرار داد و لذا حرام است بر کسی که با تو دشمن است بر روی زمین راه رود. (1)

حدیث پنجم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند متعال نقل فرمود که:

حبیبم، اگر به خاطر وجود تو نبود عالم هستی را به وجود نمی آوردم،

و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود هیچ کدام از شما دو نفر را خلق نمی کردم. (2)

حدیث ششم:

امیر المؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

پروردگار سبحان به من فرمود:

اگر علی علیه السلام را نیافریده بودم برای دخترت فاطمه سلام الله علیها از اولین و آخرین نظیر و همتا و هم شانی نبود. (3)

حدیث هفتم:

عایشه نقل می کند که؛ می

در میان مردم از نظر تکلم کردن و گفتگو کسی را شبیه تر از فاطمه سلام الله علیها به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ندیدم. وقتی فاطمه سلام الله علیها بر پیامبر وارد می شد به او خوش آمد میگفت. دستهای مبارک او را می بوسید و او را در جای خود

ص: 8

1- بحار الانوار 145/143 ح 49 به نقل از القطره ج 1 ص 413 ح 17

2- جنته العاصمه 148 از سید حسن میرجهانی به نقل از القطره ج 1 ص 418

3- عیون اخبار الرضا 177/1 ح 3 و 4 به نقل از القطره ج 1 ص 422 ح 29

می نشانید و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فاطمه وارد میشد او از جای بر می خاست و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خوش آمد می گفت و دستهای نازنین او را می بوسید. (1)

حدیث هشتم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شبی به خواب نمی رفت تا آنکه صورت مبارک خود را بین سینه فاطمه نهاد. همان محلی که بوی بهشت را از آن استشمام می کرد. مناقب ابن شهر آشوب 334/3 به نقل از القطره ج 1 ص 428 ح 32

حدیث نهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فرشتگان از خداوند درخواست نموده و گفتند: خدای ما، سرور ما، ما را آگاه کن که مهریه فاطمه سلام الله علیها چه مقدار بوده؟ تا بدانیم و بر ما روشن شود که او بهترین آفریده نزد توست.

خداوند متعال فرمود:

فرشتگان من و ساکنان آسمانهایم شما را گواه می گیرم که مهریه فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نصف دنیا است. (2)

حدیث دهم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

ای فاطمه هرکس بر تو درود فرستد خداوند او را می آمرزد و او را در

ص: 9

1- امالی طوسی 400 ح 40 مجلس 14 به نقل از القطره ج 1 ص 427 ح 31

2- نوادر المعجزات 90 ح 9 به نقل از القطره ج 2 ص 410 ح 2

بهشت در جایگاه من جای میدهد. (1)

حدیث یازدهم

پیامبر اکرم فرمود؛

نخستین شخصی که وارد بهشت میشود فاطمه

است، مقام و

منزلت او در میان این امت مقام و منزلت مریم دختر عمران در میان بنی

اسرائیل است. 2

حدیث دوازدهم

در کلام ریحان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

ای عایشه در آن شبی که مرا به سوی آسمان بردند داخل بهشت شدم، جبرئیل مرا نزدیک درخت طوبی برد، و از میوه آن به من داد. من آن میوه را خوردم. خداوند آن میوه را در صلب من تبدیل به نطفه کرد، و هنگامی که به زمین آمدم با همسرم خدیجه سلام الله علیها همبستر شدم و وی به فاطمه سلام الله علیها حامله شد. بدین جهت من هیچ وقت فاطمه سلام الله علیها را نمی بوسم جز آنکه بوی درخت طوبی را از او میشنوم. (2)

حدیث سیزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به سلمان فرمود؛

ای سلمان! هر که فاطمه سلام الله علیها دخترم را دوست داشته باشد، او در بهشت با من خواهد بود، و هر که با او دشمنی کند در دوزخ خواهد بود.

ای سلمان، محبت و دوستی فاطمه و در صد (100) موضع سود خواهد

ص: 10

1- بحار الانوار 100 / 194 ج 10 - القطره ج 2 ص 3410

2- بحار الانوار 70/37 سطر 1 - القطره همان ح 7. مائة منقبت 126 منقبت - 61 القطره همان ص 427 ح 19

داشت که آسان ترین این مواقع عبارتست از: هنگام مردن، در قبر، میزان، محشر، صراط و محل حسابرسی بندگان.

هر که دخترم فاطمه سلام الله علیها از او راضی و خوشنود شود، من از او راضی می شوم و هرکه من از او راضی شوم خداوند از او راضی می شود و هرکه فاطمه سلام الله علیها از او خشمگین شود من بر او خشم می نمایم و هرکه من بر او غضب نمایم خداوند بر او خشمگین می شود.

ای سلمان! وای بر کسی که بر او و فرزندان و شیعیانش ستم نماید. (1)

حدیث چهاردهم:

امام رضا علیه السلام از پدران خویش نقل فرمود که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

روزی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها الهلال به من : فرمود من نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم خدا از شما محبوب تر هستم.

من گفتم: بلکه من محبوب ترم.

حسن فرزندم گفت: بلکه من محبوب ترم.

و حسین فرزندم گفت: بلکه من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از شما محبوب ترم.

در اثنای این گفتگو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و فرمود:

درباره چه چیزی سخن می گوئید؟

ما موضوع گفتگو را به آن حضرت بازگو کردیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دختر گرامی خویش را در بغل گرفت و دهانش را بوسید. علی علیه السلام را نیز در آغوش گرفت و میان دو چشمانش را بوسید و امام حسن علیه السلام را روی پای راست خویش و امام حسین علیه السلام را روی پای چپش نشانید و آنان را بوسید آنگاه فرمود:

ص: 11

شما در دنیا و آخرت عزیزان من هستید، کسی که شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و آن که با شما به دشمنی و ستیز برخیزد با خدا به دشمنی و ستیز برخاسته است. شما از من و من از شما هستیم.

سوگند به خدائی که جانم در قبضه قدرت اوست! هیچ بنده ای در دنیا، از شما فرمانبرداری نمی کند.

جز آنکه خداوند متعال در دنیا و آخرت یاور و پشتیبان اوست. (1)

حدیث پانزدهم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن بیان ستمی که بر اهل بیت خواهد رفت فرمود:

دخترم فاطمه علیه السلام و سرور در زنان عالم است. هرگاه در محراب خود در برابر پروردگارش جلّ جلاله بایستد نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد همچنان که نور ستارگان برای زمینیان می درخشد و خدای عزوجل به فرشتگان می فرماید؛ ای فرشتگان من به بنده من فاطمه بنگرید، بانوی بندگان من در برابرم ایستاده است و عضلاتش از ترس من می لرزد. او با دل خویش به عبادت من روی آورده است،

شما را گواه میگیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم. (2)

حدیث شانزدهم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

بدرستی که خدای تعالی نهال وجود پیامبران را متفاوت و متفرق آفرید، ولی درخت وجود من را جداگانه، واحد، و منحصر بفرد خلق فرمود. من خود استقلال دارم، کسی در اصالت وجود من شریک من نیست، من

ص: 12

1- بشاره المصطفی 206 به نقل از القطره ج 2 ص 414 ح 11

2- بحار الانوار 13/172/43 به نقل از میزان الحکمه ج 7 ص 3110

اصل آن درختم، علی علیه السلام ساقه، آن فاطمه سلام الله علیها لفتح (مایه باروری آن)، و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام میوه های درخت وجود من هستند، هرکس شاخه ای از شاخه های آن درخت را دستاویز کند نجات یافته است و هرکس از آن دور شود به گمراهی افتد و اگر بندهای از بندگان خدا سه هزار سال صفا و مروه خدا را عبادت کند ولی محبت ما پنج تن را درک نکرده باشد خدای تعالی او را به رو در آتش افکند، (1) سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

حدیث هفدهم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

فاطمه سلام الله علیها پاره تن من است هر که او را شاد سازد مرا شاد کرده و هر که او را غمین کند مرا غمزه کرده است، فاطمه عزیزترین فرد برای من است. (2)

حدیث هجدهم:

پیامبر اکرم فرمود؛

همانا فاطمه پاره تن من است او نور دیده و میوه دل من است. آنچه او را غمین کند مرا نیز غم زده میکند و آنچه او را شاد سازد، مرا شاد می کند، او نخستین فرد از خاندان من است که به است که به من می پیوندد. (3)

ص: 13

1- فاطمه زهرا از علامه امینی ص 27

2- میزان الحکمه ج 1 ص 282 ح 1096

3- امالی صدوق 18/394

حدیث نوزدهم

پیامبر اکرم فرمود؛

خداوند بزرگ از میان زنان چهار تن را برگزید؛ مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه (1)

حدیث بیستم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

حسن و حسین، بعد از من و پدرشان بهترین مردم روی زمین هستند و مادرشان برترین زنان روی زمین است. (2)

حدیث بیست و یکم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

و اما فاطمه دخترم، او سرور زنان عالم از آغاز تا به انجام است. (3)

حدیث بیست و دوم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه با مرد نابینائی به خانه فاطمه سلام الله علیها آمدند، حضرت فاطمه سلام الله علیها خود را کاملاً پوشانند.

رسول خدا فرمود: چرا خود را پوشاندی با این که او تو را نمی بیند؟

حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود: ای پیامبر خدا او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و او بوی مرا حس می کند! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن منی. (4)

ص: 14

1- بحار الانوار 3/19/43 به نقل از میزان الحکمه ج 1 ص 283 ح 1098

2- میزان الحکمه ج 1 ص 282 ح 1099

3- نور الثقلین 1/338/135

4- فاطمه زهراء بهجه قلب المصطفی ج 1 ص 274

حدیث بیست و سوم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در مورد «بانوان» از اصحابش پرسید: اصحاب گفتند: زن ناموس است.

فرمود: چه موقع زن به خدایش نزدیکتر است؟ اصحاب جوابی ندادند. این سؤال به گوش فاطمه سلام الله علیها رسید فرمود: نزدیکترین اوقات زن به خدای خود هنگامی است که در کنج خانه خود باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چون این جواب را شنید فرمود: حقا که فاطمه پاره تن من است. (1)

حدیث بیست و چهارم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها به وی فرمود:

دخترم به سخنان مردم گوش مده! مبادا نگران باشی که شوهرت فقیر است! فقر برای دیگران سرشکستگی دارد، برای پیغمبر و خاندان او مایه فخر است.

دخترم، پدرت اگر می خواست میتوانست گنج های زمین را مالک شود اما او خشنودی خدا را اختیار کرد.

دخترم، اگر آنچه را پدرت میداند، میدانستی دنیا در دیده ات زشت می نمود.

من درباره تو کوتاهی نکردم! تو را به بهترین فرد خاندان خود شوهر داده ام!

شوهرت بزرگ دنیا و آخرت است.

خدایا فاطمه از من است و من از اویم! خدایا او را از هر ناپاکی برکنار دار!

ص: 15

که خشنود شوم. (1)

حدیث بیست و نهم:

حضرت علی علیه السلام فرمود: فاطمه محبوب ترین کس در دیده پدر خود بود. او در خانه من چندان با مشک آب کشید که بند مشک در سینه وی اثر گذاشت و چندان دستاس کرد که کف دست او پینه بست و چندان خانه را رُفت و روب کرد که جامه اش رنگ خاک گرفت و چندان...

روزی به فاطمه سلام الله علیها گفتم چه میشود که از پدرت خادمی بخواهی تا اندکی در برداشتن بار سنگین زندگی تو را یاری دهد؟

زهره سلام الله علیها نزد پدر رفت اما شرمش آمد از او چیزی بخواهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست دخترش برای کاری نزد او آمده است. بامداد دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خانه آمد. سلام کرد ما خاموش ماندیم.

عادت پیامبر این بود که سه بار سلام می کرد و اگر رخصت ورود نمی یافت برمی گشت.

ما سلام پیامبر را پاسخ گفتیم و از وی خواستیم تا به خانه در آید. پیامبر به خانه آمد و نزد ما نشست و فرمود فاطمه دیروز از پدرت چه می خواستی؟ من ترسیدم شاید وی آنچه را از او خواسته ام نگوید. گفتم داستان فاطمه این است و فاطمه از سختی کار در خانه رنج میبرد و این رنج بر جسم او اثر گذاشته است. من از فاطمه خواستم نزد شما آید خدمتکاری برای خود بخواهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا چیزی به شما نیاموزم که از خدمتگزار بهتر است؟

سپس فرمودند چون به جامه خواب رفتید 33 بار خدا را تسبیح، 33

ص: 18

1- همان ص 87 به نقل از تفسیر مجمع البیان ج 5 ص 505

فاطمه سلام الله علیها سر از جامه خواب بیرون کرد و 3 بار گفت: از خدا و رسول راضی گشتم. (1)

حدیث سی ام:

ابن عباس می گوید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سؤال کردم:

آیا آن کلمات که حضرت آدم از پروردگار خود فرا گرفت و به وسیله آن توبه او مورد قبول واقع شد چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حضرت آدم با این کلمات از خدا درخواست کرد که توبه او را بپذیرد؛

«به حق محمد علی فاطمه حسن و حسین توبه مرا قبول فرما.»

پس خدای تبارک و تعالی توبه او را پذیرفت. (2)

حدیث سی و یکم:

بعد از نزول آیه مودت

(قُلْ لَا اسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوْدَةَ فِي الْقُرْبَى) آیه 23 سوره شوری

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: خویشان نزدیک شما که مودت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟

پیامبر در جواب فرمود: علی فاطمه و دو فرزند آنها (حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام) (3)

ص: 19

1- همان ص 84

2- الغدير علامه امینی به نقل فاطمه زهرا به کوشش حبیب چایچیان ص 23

3- همان ص 25

حدیث سی و دوم

جابر بن عبدالله نقل می کند؛

یک عرب بادیه نشین آمد حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عرض کرد؛

یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم اسلام را به من عرضه کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛ شهادت بده به یکتائی خدای تعالی و اینکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست.

اعرابی عرض کرد؛ یا رسول اله در مقابل این رسالت که مرا هدایت فرمودی آیا از من مزدی هم می خواهی؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛ نه بجز مودت خویشان نزدیک که اجر رسالت من است.

اعرابی گفت: خویشان نزدیک خودم را دوست بدارم یا خویشان تو را یا رسول اله؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خویشان نزدیک مرا.

اعرابی عرض کرد: یا رسول الله اینک دستت را به دست من بده تا برای دوستی تو و نزدیکانت با تو بیعت کنم. خدا لعنت کند کسی را که تو را و خویشان تو را دوست ندارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به این دعای او آمین فرمود.

(پس هرکس ایمان و اعتقاد به ولایت و مودت حضرت صدیقه سلام الله علیها نداشته باشد نفرین شده است به زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) (1)

حدیث سی و سوم:

ابن عباس می گوید:

حسنین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ بیمار شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با جمعی از مردم به عیادت آنان

ص: 20

آمدند برخی پیشنهاد کردند «یا ابا الحسن» چه خوب است برای شفای فرزندان نذری بنمائی، آنگاه علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و فضه (که جاریه آنها بود) نذر کردند که اگر حسنین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ شفا یافتند سه روز روزه بگیرند.

هنگامی که حسنین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ سلامتی خود را بازیافتند در خانه علی علیه السلام چیزی برای افطار موجود نبود، لذا امیرالمؤمنین علیه السلام از شمعون یهودی خیبری سه صاع جو وام گرفت و فاطمه سلام الله علیها از یک صاع آن پنج قرص نان پخت و در سفره افطار نهاد، هنگامی که آماده افطار شدند، ندای سائلی برخاست؛ سلام بر شما ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مسکینی از مساکین مسلمین بر در خانه شما آمده است، اطعام کنید، خدا از مائده های بهشتی شما را روزی فرماید، خاندان وحی نان افطار خود را ایثار کردند، و فضّه نیز تبعیت از آنان نمود و همگی شب را بدون غذا صبح کردند و جز آب چیز دیگری به کامشان نرسید...

فردای آن شب را نیز روزه گرفتند، و چون شب فرارسید، و نان افطارشان در سفره نهاده شد، یتیمی بر در خانه آمد و باز به همان ترتیب همگی غذای خود را به آن یتیم ایثار کردند. روز سوم، اسیری از راه رسید و مطالبه طعام کرد، بار سوم نیز آنچه در سفره بود (قبل از افطار) از طرف خاندان پیامبر به آن اسیر ایثار شد.

صبح روز چهارم، علی سلام الله علیه دست حسنین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ را گرفت و به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روان گردیدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگامیکه چشمش به حسنین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ افتاد که همانند مرغکان از شدت گرسنگی می لرزیدند، فرمود:

چه سخت است برای من که شما را به این حال ببینم، رسول خدا علیه السلام فوراً از جای برخاست و همراه آنان به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها

آمد و او را در محراب عبادتش مشاهده فرمود، اما چه مشاهده ای، از شدت گرسنگی بطن مبارکش به پشت چسبیده، و چشمهایش در گودی نشسته بود... از این منظره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار افسرده خاطر گردید،

در آن هنگام جبرئیل فرود آمد و چنین گفت: بگیر یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مبارک باد بر تو این خاندان تو و سپس سوره «هل اتی» را قرائت نمود. (1)

حدیث سی و چهارم:

رسول خدا فرمود:

هنگامی که خدای تعالی حضرت آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او دمید، آدم علیه السلام به جانب راست عرش نظر افکند، آنجا پنج شبح غرقه در نور به حال سجده و رکوع مشاهده کرد، عرض کرد: خدایا قبل از آفریدن من کسی را از خاک خلق کرده ای؟ خطاب آمد: نه، نیافریده ام.

عرض کرد: پس این پنج شبح که آنها را در هیئت و صورت همانند خود می بینم چه کسانی هستند؟

خدای تعالی فرمود: این پنج تن از نسل تو هستند، اگر آنها نبودند، تو را نمی آفریدم، نامهای آنان را از اسامی خود مشتق کرده ام (یعنی من خود، آنها را نامگذاری کرده ام)، اگر این پنج تن نبودند، نه بهشت و دوزخ را می آفریدم، نه عرش و کرسی، نه آسمان و زمین را خلق می کردم، و نه فرشتگان و انس و جن را...

منم «محمود» و این «محمد» است منم «عالی» و این «علی» است منم «فاطر» و این «فاطمه» است، منم «احسان» و این «حسن» است، و منم «محسن» و این «حسین» است.

به عزتم سوگند، هر بشری به مقدار ذره بسیار کوچکی، کینه و دشمنی

ص: 22

آنها را در دل داشته باشد، او را در آتش دوزخ می افکنم، یا آدم،... این پنج تن، برگزیدگان منند، و نجات و هلاک هرکس وابسته به حبّ و بغضی است که نسبت به آنها دارد. یا آدم، هر وقت از من حاجتی می خواهی، به آنان توسل کن.

ابوهریره می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه سخن فرمود:

«ما (پنج تن) کشتی نجاتیم، هرکس با ما باشد، نجات یابد، و هرکس که از ما روگردان شود، هلاک گردد. پس هر کس حاجتی از خدا می خواهد به وسیله ما اهل بیت از حضرت حق تبارک و تعالی مسئلت نماید.»(1)

حدیث سی و پنجم:

فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود پدرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرموده است: چیزی از علی علیه السلام مخواه مگر آنکه او خود برای تو آماده کند.»

- روزی علی فاطمه را گفت خوردنی چیزی داری؟

- نه به خدا سوگند دو روز است که خود و فرزندانم حسن و حسین گرسنه ایم!

- چرا به من نگفتی؟

- از خدا شرم کردم چیزی از تو بخواهم که توانائی آماده کردن آن را نداشته باشی.

علی از خانه بیرون می رود، دیناری وام می گیرد، روزی گرم است. آفتاب سوزان همه جا را گرفته در آن هوای گرم مقدار پسر اسود را با حالتی آشفته می بیند.

- مقدار چه شده است؟ چرا در این هوای گرم بیرون از خانه ایستاده ای؟

ص: 23

- مرا از پاسخ دادن معذور بدار!

- نمی شود باید مرا خیر دهی!

- حال که چنین است، بدان که گرسنگی مرا از خانه بیرون کشانده است. دیگر نمی توانستم گریه فرزندانم را تحمل کنم.

- به خدا من نیز برای همین از خانه بیرون آمدم. این دینار را وام گرفته ام. اما تو را بر خود مقدم می شمارم. حضرت علی علیه السلام آن پول را به مقدار می دهد.

در این مساوات حضرت زهرا سلام الله علیها دختر پیامبر هم سهیم بود.

بلکه گاه سهم بیشتری را به عهده میگرفت.

یک روز و دو روز و یا سه روز خود و فرزندان او گرسنه بسر می بردند و فاطمه سلام الله علیها شوهر را آگاه نمی کرد، چون علی مطلع میشد، می پرسید چرا به من نگفتی بچه ها گرسنه هستند؟

فاطمه می فرمود، پدرم فرموده است چیزی از علی نخواه مگر آنکه او خود برای تو آماده کند. (1)

حدیث سی و ششم:

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

در شب معراجم به سوی آسمان این کلمات را دیدم که بر در بهشت نوشته شده بود:

نیست خدائی جز خدای بی همتا، «محمد» پیامبر خداست، «علی» محبوب خداست «فاطمه» و «حسن» و «حسین» برگزیدگان خدا هستند.

لعنت خدا بر کسانی که کینه و دشمنی آنان را دارند. (2)

ص: 24

1- همان منبع ص 81-82

2- همان منبع ص 43

حدیث سی و هفتم:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خدای تبارک و تعالی به دنیا (یعنی جمیع بشر) نظری افکند و از همه مردان عالم مرا انتخاب کرد، آنگاه بار دوم نظر فرمود و از جمیع مردان جهان تو را برگزید و بار سوم ائمه ای که از فرزندان تو هستند انتخاب فرمود، سپس بار چهارم از جمیع زنهای عالم «فاطمه» را برگزید. (1)

حدیث سی و هشتم:

انس بن مالک می گوید:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ما نماز صبح بجای آورد، و پس از فراغت از نماز روی مبارکش را به سوی ما گردانید و فرمود ای جماعت مسلمانان، هر کس که آفتاب را از دست بدهد پس باید به ماه تمسک جوید، و

در فقدان ماه دست به دامان زهره شود، و اگر زهره را نیابد، به دوستان (فرقدان) پناه آورد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و (فرقدان) دو ستاره نور افشان چیست؟ فرمود: من آفتابم، علی ماه، و فاطمه زهره است و دو ستاره حسنین اند. آنان با کتاب خدا دو دستاویز بشنند و همواره بهم پیوسته اند و هرگز از یکدیگر جدا نمیشوند تا در کنار حوض (کوثر) به من ملحق شوند. (2)

حدیث سی و نهم:

از ابوبکر نقل شده که می گوید:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در خیمه اش، در حالی که بر یک کمان عربی تکیه کرده بود نشسته دیدم. در آن خیمه علی علیه السلام، فاطمه سلام الله علیها،

ص: 25

1- همان منبع ص 43-44

2- همان منبع ص 47-48

حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نیز حضور داشتند! آن حضرت رو به حاضرین فرمود و گفت: ای مسلمانان، بدانید هر کسی که با اینان در صلح و صفا باشد من نیز با او در سلم و آشتی هستم! و هرکس با اینان به جنگ خیزد، من هم با او در جنگ خواهم بود، من دوستدار کسی هستم که اینان را دوست بدارد، دوست نمی‌داردشان مگر آن خوشبخت و سعادت‌مندی که از دامانی پاکیزه بوجود آمده است و دشمن نمی‌داردشان مگر آن شخص بدبختی که از آلوده دامنی زائیده شده باشد. (1)

حدیث چهارم:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد، معنای بتول چیست، اینکه از شما شنیده ایم که مریم علیها سلام و فاطمه علیها سلام بتول بوده اند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمود: «بتول» آن زنی را میگویند که هرگز آثار حیض و نفاس معمول زنانه در او مشاهده نشود، زیرا حالت حیض شدن در دختر پیغمبران مکروه می‌باشد. (2)

حدیث چهل و یکم:

«جابر بن عبدالله» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، دخترم فاطمه سوار بر اشتری از اشتران بهشتی وارد عرصه محشور میشود که مهار آن ناقه از مروارید درخشان و چهارپای آن از زمرد سبز دنباله اش از مشک بهشتی، چشمانش از یاقوت، سرخ و برفراز آن، قبه ای (خیمه ای) از نور که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است، فضای داخل آن قبه انوار عفو الهی و خارج آن خیمه، پرتو رحمت خدایی است، و برفرازش تاجی از نور که دارای هفتاد

ص: 26

1- همان منبع ص 52

2- همان منبع ص 66

پایه است و از در و یاقوت که همانند ستارگان درخشان در افق آسمان نور افشانند.

از جانب راست آن مرکب هفتاد هزار ملک و از طرف چپ آن هفتاد هزار فرشته در حالی که جبرئیل مهار ناقه را گرفته است، با صدای بلندی ندا می کند؛ نگاه خود فراسوی خویش گیرید و نظرها به پائین افکنید؛ این فاطمه دختر محمد است که عبور می کند. در آن هنگام، حتی پیامبران و انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب دیده فرو می گیرند، تا اینکه فاطمه سلام الله علیها عبور میکند و در مقابل عرش پروردگارش قرار میگیرد، آنگاه از جانب خدا جل جلاله ندا میشود: ای محبوبه من، و ای دختر حبیب من، بخواه از من، آنچه میخواهی تا عطایت کنم و شفاعت کن، هر که را مایلی تا قبول فرمایم. در جواب عرضه می دارد، ای خدای من و ای مولای من (دریاب) ذریه مرا، شیعیان مرا، پیروان ذریه مرا، دوستان مرا و دوستداران ذریه مرا، بار دیگر از جانب حق خطاب می رسد:

کجا هستند. ذریه فاطمه و پیروان او، کجایند دوستدارانش و دوستداران ذریه او در آن هنگام جماعتی به پیش می آیند، و فرشتگان رحمت آنان را همراه خود به بهشت وارد فرماید. (1)

حدیث چهل و دوم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای عایشه، بدرستی که فاطمه علیه السلام همانند سایر زنان نیست و هرگز آثار حیض و نفاس در او ظاهر نمی شود. (2)

ص: 27

1- همان منبع ص 74-75

2- همان منبع ص 67

حدیث چهل و سوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمود:

تمام درهائی که به مسجد باز میشود باید مسدود گردد و ورود و خروج همه افراد به خانه ها باید خارج از محوطه مسجد انجام پذیرد، مگر علی علیه السلام و اولاد علی عَلَیْهِمُ السَّلَامُ پس از ابلاغ این فرمان الهی، غوغائی برپا شد و عده ای بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و تقاضا می کردند راهی بسوی مسجد داشته باشند.

حتی جناب عباس عموی پیغمبر به آن حضرت عرض کرد:

من حاضر در خانه ام را ببندم ولی خواهش می کنم، اجازه بدهید دریچه ای بسوی مسجد داشته باشم ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اختیار بسته یا باز بودن در خانه ها بسوی مسجد به دست من نیست و من از جانب خدا مأمور ابلاغ این حکم هستم و هرگز اجازه نمی دهم که حتی یک دریچه بجانب مسجد باز باشد و این فضیلت مخصوص است به علی علیه السلام و خانواده او (یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها حسن و حسین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ) (1)

حدیث چهل و چهارم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

همانا خداوند تبارک و تعالی غضب میکند هنگامی که فاطمه سلام الله علیها به خشم آید و راضی میشود آنگاه که او راضی و خشنود گردد. (2)

حدیث چهل و پنجم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در بهشت درجه ای است به نام «الوسیله» هرگاه بخواهید در هنگام

ص: 28

1- همان منبع ص 64

2- همان منبع ص 94

دعا چیزی برای من از خدا بطلبید، مقام وسیله را مسئلت نمائید، گفتند یا رسول الله چه کسانی در این درجه (مخصوص) با شما هم‌نشین هستند، فرمود: علی علیه السلام، فاطمه سلام الله علیها، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام. (1)

حدیث چهل و ششم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

روز قیامت من و فاطمه و علی، حسن و حسین، دارای مقام و منزلت واحدی هستیم. (2)

حدیث چهل و هفتم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

همانا خدای تعالی یک دسته از فرشتگان را برای محافظت فاطمه سلام الله علیها گماشته است، تا از چهار طرف نگهبان او باشند، و این ملائک در حال حیات، و هنگام مرگ او و کنار قبرش پیوسته در خدمت او هستند، و کارشان صلوات فرستادن بر فاطمه و پدرش و همسر و فرزندان اوست. (3)

حدیث چهل و هشتم:

وقتی خدیجه سلام الله علیها به حضرت فاطمه سلام الله علیها حامله شد، فاطمه سلام الله علیها در رحم مادر [همدم او بود] با او سخن می گفت، و وی را به صبر توصیه می نمود. خدیجه علیه السلام این موضوع را از رسول خدا مخفی می داشت تا اینکه یک روز پیامبر نزد خدیجه سلام الله علیها آمد و شنید که او با

فاطمه سخن می گوید. پس به او گفت ای خدیجه! با چه کسی

ص: 29

1- همان منبع ص 99

2- همان منبع ص 100

3- همان منبع ص 106

سخن میگویی؟ خدیجه سلام الله علیها گفت: بچه ای که در رحم دارم با من سخن میگوید و مونس ساعات تنهایی من است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختری پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی، امام و خلیفه خدا در زمین باشند. (1)

حدیث چهل و نهم:

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود:

وقتی که خداوند بهشت را آفرید آن را از نور وجه خویشتن آفرید، سپس آن نور را گرفت و افکند [تاباند] یک سوم آن نور به من اصابت کرد و یک سوم دیگرش به دخترم فاطمه سلام الله علیها و یک سوم آن به علی علیه السلام و فرزندانش رسید.

پس کسی که از آن نور به وی رسیده باشد به ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هدایت خواهد شد و کسی که از آن نور به او نرسیده باشد از ولایت آنان گمراه می گردد. (2)

حدیث پنجاهم:

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نور فاطمه سلام الله علیها پیش از آفرینش زمین و آسمانها آفریده شد.

بعضی از مردم گفتند: ای پیامبر خدا بنا بر این فاطمه از جنس بشر نیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ او فرمود: فاطمه علیه السلام حوریه ای از جنس بشر است.

ص: 30

1- امالی شیخ صدوق ص 690

2- بحار الانوار مجلسی ج 43 ص 44

گفتند ای پیامبر خدا، چگونه میشود که زهرا حوریه و انسیه باشد؟ فرمود: پیش از این که پروردگار متعال حضرت آدم را خلق نماید در آن هنگام که ارواح وجود داشتند، فاطمه سلام الله علیها را از نور خود خلق کرد، و وقتی آدم را آفرید نور فاطمه سلام الله علیها را بر آدم علیه السلام عرضه نمود.

گفته شد: ای پیامبر خدا! حضرت فاطمه سلام الله علیها در آن هنگام کجا بود؟ فرمود: نور او در میان یک طرف در زیر ساق عرش جای داشت. گفتند: ای رسول خدا! غذای وی چه بود؟ فرمود: «تسبیح و تقدیس خدا و لا اله الا الله گفتن و حمد خدا را بجای آوردن.»

وقتی که پروردگار متعال آدم را آفرید، مرا از صلب او بیرون نمود، و دوست داشت فاطمه سلام الله علیها را از صلب من بیرون آرد، پس او را به صورت یک سیب در بهشت درآورد و جبرئیل آن سیب را نزد من آورد و به من گفت ای محمد درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد! گفتم ای دوست من جبرئیل! بر تو باد درود و رحمت خدا و برکات او!

آنگاه جبرئیل گفت: ای محمد! خدا تو را سلام می رساند، گفتم سلام از جانب خداست و به سوی او باز خواهد گشت، گفت: ای محمد، این سیبی است که خدای عزوجل از بهشت برای تو هدیه فرستاده است، من آن را گرفتم و به سینه خود نهادم. جبرئیل گفت: ای محمد! خداوند جلّ جلاله می فرماید: این سیب را میل نما! چون آن سیب را شکافتم. نوری از آن تابید که من ترسان شدم. گفت: ای پیامبر خدا! چرا آن را میل نمی کنی؟ آن را بخور و مهراست زیرا آن نور بانویی است که در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» نام دارد

گفتم: ای حبیب من جبرئیل، چرا در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» است؟

جبرئیل گفت: بدین سبب در زمین «فاطمه» نامیده شده که شیعیان وی از آتش جهنم باز نگه داشته شده اند و دشمنانش از دوستی و محبت وی محروم می مانند و در آسمان «منصوره» نامیده شده است که این همان کلام خدای تعالی است که فرموده: (يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) [در روز (قیامت) مؤمنان به نصرت الهی شادمان می گردند] منظور از این یاری همان نصرتی است که حضرت فاطمه سلام الله علیها به دوستان خویش خواهد کرد. (1)

حدیث پنجاه و یکم:

امام صادق علیه السلام از حضرت زهرا سلام الله علیها روایت می فرماید که ایشان فرمود:

چون آیه (لا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا) [آن چنان که یکدیگر را صدا میزنید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را صدا نزنید] بر پیامبر نازل شد، به دلیل مراعات عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و من نیز او را «پدر» صدا نکردم و او را «رسول الله» می خواندم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم [چون تغییر رویه را در من مشاهده نمود] به من رو کرد و فرمود: ای دخترم! این آیه در مورد تو و اهل تو نازل نشده است. تو از منی و من از تو هستم؛ بلکه این آیه در مورد جفاکاران و متکبران فرود آمده است. تو مرا پدر صدا بزنی چرا که این کلام قلب مرا بیشتر زنده می کند و پروردگار را راضی تر می نماید. آنگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشانیم را بوسید و آب دهانش را به رویم کشید که از آن پس به [استعمال] بوی خوش نیازمند نگردیدم. (2)

ص: 32

1- همان ص 4

2- همان ص 33

حدیث پنجاه و دوم:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و اما دخترم فاطمه علیه السلام بانوی زنان جهانیان است از اولین و آخرین و پاره وجود من و نور دیده و میوه دل و روح من است که درون من جای دارد و او حوراء انسیه است. هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جل جلاله بایستد نورش به فرشتگان آسمان بتابد همانطور که نور ستارگان زمین بتابد و خدای عزوجل به فرشتگانش فرماید: فرشتگانم ببینید کنیزم فاطمه را که در برابرم ایستاده و دلش از ترسم میلرزد و دل به عبادتم داده است و گواه باشید که شیعیانش را از آتش امان داده ام.

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه زهرا سلام الله علیها را مشاهده می کنم. آن ستم هایی به یادم می آید که بعد از من در حق او خواهد شد. گویا می بینم که ذلت، داخل خانه وی شده است، احترامش از دست رفته است و حقش را غصب کرده اند و از دریافت ارث خود ممنوع شده است. پهلوی او را شکسته اند و جنین وی را سقط شده می بینم در حالی که او فریاد می زند و محمداه! ولی کسی به دادش نمی رسد. استغاثه می کند ولی کسی به فریادش نخواهد رسید. لذا بعد از من دائما محزون، غصه دار و گریان خواهد بود...! (1)

حدیث پنجاه و سوم:

از امام باقر علیه السلام سوال شد درباره قول خداوند متعال که می فرماید:

(كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا)

[مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان

ص: 33

است و در هر زمان به اذن پروردگارش میوه می دهد] امام باقر علیه السلام فرمودند: آن درخت، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که نسب آن حضرت در بنی هاشم ثابت است و تنه درخت، علی علیه السلام و ریشه آن فاطمه سلام الله علیها و شاخه هایش ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و برگهای این درخت شیعیان هستند و یک نفر از شیعیان که می میرد برگی از آن میافتد و فرزندی از شیعیان که متولد می شود بر درخت یک برگ می روید. (1)

حدیث پنجاه و چهارم:

ابوذر غفاری گفت:

به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم در همان بیماری که در آن از دنیا رحلت فرمود، ایشان به من فرمود: ای ابوذر! دخترم فاطمه سلام الله علیها را نزد من بیاور. ابوذر گوید: برخاستم و نزد فاطمه سلام الله علیها رفتم و عرض کردم: ای سرور زنان، پدرت را اجابت فرما. حضرت چادر خود را پوشید و بیرون آمد تا بر آن حضرت وارد شد. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دید خود را به روی او انداخت و گریست. از گریه او پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز گریست و فاطمه سلام الله علیها را به خویش چسبانید و فرمود ای فاطمه سلام الله علیها پدرت به فدایت گریه مکن. تو اولین کسی هستی که به من ملحق شوی در حالی که به تو ستم شده و حقت غصب شده است [و به ناحق گرفته شده] و به همین زودی، کینه ها و عداوتهای نفاق آشکار گردد، و جامه دین کهنه شود. (2)

حدیث پنجاه و پنجم:

از ابن عباس نقل شده که گفت:

هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم به مسافرت می گرفت آخرین کسی که

ص: 34

1- تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی ج 6 ص 74

2- بحار الانوار مجلسی ج 36 ص 288

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او وداع می کرد حضرت فاطمه سلام الله علیها بود و هنگامی که از سفر باز میگشت اولین کسی که پیامبر با او ملاقات می کرد فاطمه سلام الله علیها بود. (1)

حدیث پنجاه و ششم :

ابوسعید خدری گوید:

فاطمه سلام الله علیها در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از عزیز ترین مردم بود، در یکی از روزها که فاطمه سلام الله علیها مشغول نماز بود رسول خدا نزد وی آمد و فاطمه سلام الله علیها تا صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در سجاده خود شنید نماز را قطع نموده از مصلاهی خود خارج شد و به آن حضرت سلام کرد، رسول خدا دست خود را بر سر فاطمه کشیده و فرمود: دخترم! خدا تو را رحمت کند امروز را چگونه به شب رساندی؟ برایمان شام بیاور. خدا تو را مورد غفران قرار دهد و البته تو مورد غفران هستی. (2)

حدیث پنجاه و هفتم:

جابر بن عبدالله گفت:

شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه روز قبل از ارتحالش به علی بن ابی طالب علیه السلام چنین فرمود: سلام خدا بر تو باد ای پدر دو ریحانه (حسن و حسین). به تو درباره دو ریحانه ام در دنیا سفارش می کنم. به زودی دو رکن تو منهدم میشود و خدا خلیفه من بر تو است. [یعنی خدا جای خالی من را برای تو پر خواهد نمود.] چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رحلت نمود، حضرت علی علیه السلام فرمود: این یکی از دو رکن من بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به من فرموده بود و چون حضرت فاطمه علیه السلام به شهادت رسید،

ص: 35

1- بحار الانوار ج 43 ص 40

2- بحار الانوار مجلسی ج 43 ص 40

علی علیه السلام فرمود: این رکن دومی بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود. (1)

حدیث پنجاه و هشتم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

نبوت هیچ پیامبری به کمال نرسید تا اینکه به فضل و معرفت [محبت] حضرت زهرا سلام الله علیها اقرار کرد. (2)

حدیث پنجاه و نهم:

امام باقر الا فرمود:

خداوند به تمجیدی برتر از تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها پرستش نشده است و اگر چیزی بالاتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به فاطمه سلام الله علیها هدیه می داد. (3)

حدیث شصتم:

یزید بن عبدالملک از پدرش، از جدش روایت کرده است که گفت: من بر حضرت فاطمه سلام الله علیها وارد شدم او در سلام، پیش دستی کرد و فرمود: چه چیزی تو را به اینجا آورده است؟ گفتم: برکت. آن حضرت فرمود: پدرم - که صاحب چنان عظمتی است - به من خبر داد که هر کس بر او [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] و بر من سه روز سلام دهد خداوند بهشت را بر او واجب سازد.

گفتم: در زمان حیات او و شما؟ فرمود بله [در زمان حیات ما] و بعد از وفات ما. (4)

ص: 36

1- امالی شیخ صدوق ص 198

2- مجمع النورین مرندی ص 40

3- کافی کلینی ج 3 ص 343

4- وسائل الشیعه حر عاملی ج 14 ص 367

حدیث شصت و یکم:

در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عمویشان عباس است که فرمود:

وقتی که خداوند متعال اراده کرد ما را خلق کند کلمه ای فرمود و خلق کرد از آن کلمه، نوری، سپس کلمه ای دیگر تکلم فرمود و از آن کلمه، روحی را خلق کرد، سپس نور را با روح آمیخت و مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ را خلق نمود.

ما خداوند را تسبیح و تقدیس می کردیم آن هنگام که تسبیح و تقدیسی نبود. پس هنگامی که خداوند خواست جهان را بیافریند نور مرا شکافت و از آن عرش را بیافرید، پس عرش از نور من است و نور من از نور خدا است و نور من برتر از عرش است. آنگاه نور برادرم علی علیه السلام را شکافت و از آن [نور] فرشتگان را آفرید، پس فرشتگان از نور علی علیه السلام هستند و نور علی علیه السلام از نور خداست و علی علیه السلام برتر از ملائکه است.

آنگاه نور دخترم فاطمه سلام الله علیها را شکافت و از آن آسمانها و زمین را بیافرید، پس آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه سلام الله علیها است و نور دخترم فاطمه سلام الله علیها از نور خداست و دخترم فاطمه سلام الله علیها والاتر از آسمانها و زمین است. (1)

حدیث شصت و دوم:

حمزه بن حمران از حضرت صادق علیه السلام یا از پدرش علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که گفت:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز عصر را به جای آورد. وقتی نماز تمام شد رو به قبله [در محراب مسجد] نشست و مردم نیز اطراف او را گرفته بودند. در

ص: 37

این حال، پیرمردی از مهاجرین عرب به نزد ایشان آمد که لباس کهنه ای برتن داشت و از شدت پیری و ضعف قدرت حفظ خود را نداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به سوی او نگریست و از احوالش سؤال کرد.

پیرمرد گفت: ای پیامبر خدا! گرسنه ام غذایی به من بده. برهنه ام لباسی به من بپوشان. فقیرم بی نیازم کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی [تو را به جایی راهنمایی میکنم که] راهنمای به خیر مانند عامل به خیر است. به سوی خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم وی را دوست می دارند، آن کسی که خدا را بر خود مقدم می دارد. به سوی خانه فاطمه سلام الله علیها برو. خانه فاطمه سلام الله علیها چسبیده به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود - آن خانه ای که مختص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و جدا از همسرانش در آن زندگی مینمود - پیامبر به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را تا خانه فاطمه راهنمایی کن.

آن پیرمرد همراه بلال رفت. وقتی بر در خانه فاطمه سلام الله علیها ایستاد با صدای بلند گفت: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت! و ای محل آمد و شد ملائکه! و ای محل نزول جبرئیل و روح الامین همراه با تنزیل از سوی

رب العالمین

فاطمه سلام الله علیها: فرمود و علیک السلام، تو کیستی؟

پیرمرد گفت: من پیرمردی از عرب هستم که از راه دور به سوی پدر تو، که بهترین بشر است، آمدم. ای دختر محمد! من برهنه و گرسنه ام، با من مواسات کن. خدا تو را رحمت کند.

[راوی گوید: آن زمان، هنگامی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها سه روز بود که غذا نخورده بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم از

حال علی و زهرا علیه السلام آگاهی داشت.

حضرت فاطمه سلام الله علیها پوست گوسفند دباغی شده را با [چوب درخت] قَرظ [نظیر درخت گردو]، که حسن و حسین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ روی آن می خوابیدند، به او داد و فرمود: این را بگیرای که شب [سراغ ما] آمدی! که خدا بهتر از آن را برای تو مهیا فرماید.

پیرمرد گفت: ای دختر محمد! من از گرسنگی به توشکایت کردم و تو پوست گوسفندی را به من میدهی؟ من با وجود این [ضعف] که احساس میکنم با این پوست چه کنم؟ [و این به چه درد من می خورد؟]

راوی گوید: هنگامی که فاطمه سلام الله علیها این سخن را شنید گردنبندی را که «فاطمه» دختر عمویش (حمزه بن عبدالمطلب) به وی هدیه کرده بود از گردن خویش باز کرد و به پیرمرد داد و فرمود: این گردنبند را بگیر و بفروش. شاید خداوند بهتر از آن را در عوضش به تو عطا فرماید.

پیرمرد گردنبند را گرفت و به سوی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در بین اصحاب خود نشسته بود گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! این گردنبند را دختری فاطمه سلام الله علیها به من بخشید و گفت: آن را بفروش شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [با دیدن گردنبند] گریه اش گرفت و گفت: چگونه خداوند بهتر از آن نصیب تو نفرماید در حالی که فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، سرور دختران آدم، آن را به تو عطا کرده است.

در این حال عمار یاسر برخاست و گفت ای رسول! خدا آیا اجازه میدهی که من این گردنبند را بخرم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن را خریداری کن ای عمار که اگر جن و انس در خریداری آن شراکت کنند خدا هرگز آنان را به آتش عذاب نخواهد

کرد.

عمار گفت: ای پیرمرد! این گردنبند را به چه قیمتی میفروشی؟

پیرمرد گفت: به یک شکم سیر از نان و گوشت و یک برد یمانی که عورت خود را به وسیله آن بپوشانم و با آن برای پروردگارم نماز بگذارم و یک دینار که مرا به اهل و عیالم برساند.

عمار همه سهمش را که رسول خدا و از غنیمت خبیر به او داده بود فروخته بود و چیزی از آن [سهم] را باقی نگذاشته بود پس به پیرمرد گفت: بیست دینار و دوست درهم هجری و یک برد یمانی و شترم که تو را به وطنت میرساند، با یک شکم سیر از نان گندم و گوشت به تو می دهم [و آن را از تو خریداری مینمایم]. پیرمرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار او را برد و به آنچه ضمانت کرده بود وفا کرد [و گردنبند را گرفت] و اعرابی پیش رسول خدا برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: آیا سیرشده و لباس پوشیدی؟

پیرمرد گفت: آری و بی نیاز گردیدم و پدر و مادرم به فدای تو.

پیامبر فرمود: اکنون که چنین است فاطمه سلام الله علیها را به دلیل کارش جزا بده.

اعرابی گفت: خداوند! تو معبودی هستی ازلی و ما غیر از تو معبودی که بپرستیم نداریم، تو رازق ما هستی بر همه جهات، بار خدایا! به فاطمه چیزی عطا کن که چشم هیچ کس مانند آن را ندیده باشد و گوش هیچ کس نشنیده باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر دعای او آمین گفت و رو به اصحاب کرد و فرمود: خداوند این دعا را در دنیا نسبت به فاطمه سلام الله علیها اجابت نموده است زیرا من پدر اویم که کسی مثل من نیست و علی علیه السلام شوهر اوست که اگر

ص: 40

نمود، فاطمه سلام الله علیها هرگز کفوی نداشت و به او حسن و حسین علیهما السلام را داده هیچ کس همانند آنها را ندارد دو سرور جوانان اسباط انبیا و دو سرور جوانان اهل بهشت

آنگاه حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که مقداد عمار و سلمان مقابل ایشان بودند فرمود: آیا می خواهید که بیش از این را برای شما بگویم؟ گفتند: بله یا رسول الله... خداوند متعال گروهی از فرشتگان را مأمور نموده که فاطمه را [از هر چهار طرف] از پیش رویش و از پشت سر و از راست و از چپش محافظت نمایند و این فرشتگان در رزمان حیات فاطمه سلام الله علیها و در قبر او و هنگام رحلتش با او همراهند و دروذهای فراوانی را نثار او، پدر، شوهر و فرزندان می نمایند. پس کسی که مرا پس از رحلتم زیارت نماید مثل آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت نموده و کسی که فاطمه سلام الله علیها

را زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده و کسی که علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند مانند آن است که فاطمه سلام الله علیها را زیارت کرده باشد و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند گویا علی علیه السلام را زیارت کرده است و کسی که فرزندان حسن و حسین علیهما السلام ما را زیارت کند چنان است که آن دو را زیارت کند.

پس از این، سخنان عمار، گردنبند فاطمه سلام الله علیها را با مشک خوشبو نمود و آن را در میان بردی یمانی پیچید و او بنده ای داشت که نامش سهم بود و او را از سهمی که در خیبر به او رسیده بود خریداری نموده بود. آن [گردن بند] را تحویل غلام داد و به او گفت: این گردنبند را بگیر و تحویل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بده تو نیز از امروز برای فاطمه سلام الله علیها هستی آن.

غلام گردنبند را گرفت و آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و سخنان عمار را برای ایشان بازگفت. پیامبر فرمود: برو به سوی فاطمه سلام الله علیها

و گردنبندها را به او بده و تو برای او هستی سهم [غلام عمار] با گردنبندها [به نزد فاطمه] آمد و سخن پیامبر را برای او بیان نمود. فاطمه سلام الله علیها آن گردنبندها را گرفت و غلام را آزاد کرد.

غلام خندید. حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود: ای غلام! برای چه می خندی؟ گفت: عظمت برکت این گردن بند [مرا خندان نموده است زیرا] گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند، فقیری را بی نیاز کرد، غلامی را آزاد نمود و [در نهایت] به صاحبش بازگشت. (1)

حدیث شصت و سوم:

آنگاه که فاطمه سلام الله علیها به سن ازدواج رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای او غصه میخورد و می فرمود: او مادری ندارد که به او رسیدگی کند و اسباب ازدواج او را مهیا کند. جبرئیل نازل شد و گفت: خدای جبار به تو سلام میرساند و می گوید: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! در امر ازدواج او غصه نخور، چرا که من بیشتر از تو او را دوست دارم. امر ازدواجش را به من واگذار کن و من او را همسر کسی می کنم که دوستش دارم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سجده شکر کرد و جبرئیل بازگشت. وقتی روز جمعه شد جبرئیل با طبقی به همراه هزار ملک نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد. میکائیل، اسرافیل و عزرائیل نیز با طبقی به همراه هزار ملک آمدند و طبقها را پیش روی پیامبر نهادند. حضرت از جبرئیل سؤال کرد اینها چیست؟ جبرئیل عرض کرد خداوند می فرماید من فاطمه سلام الله علیها را همسر علی علیه السلام قرار دادم اینها لباسها و میوه های بهشت است لباسها را بر او پوشان و میوه ها را بر او نثار کن. رسول خدا سجده کرد. بعد سرش را بلند نمود و فرمود: ای جبرئیل! فاطمه سلام الله علیها به آنچه من راضی باشم راضی است و من دوست دارم این هدایا و عطایا را در دار بقاء آخرت نه در دار فناء {دنیا}

ص: 42

از تو بگیرم. اما جبرئیل! به من خبر بده ازدواج فاطمه سلام الله علیها در آسمان چگونه بود؟ جبرئیل گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند تعالی به ما دستور داد درهای بهشت را باز کنیم و درهای آتش را ببندیم. سپس عرش و کرسی و درخت طوبی و سدرة المنتهی را زینت نمود و به ولدان و غلمان دستور داد در هر قصر و خیمه و اتاقی حجله ای نصب کنند و برای ولیمه عروسی فاطمه سلام الله علیها بنشینند و به ملائکه مقرب آسمانها و [ملائکه] روحانین دستور داد زیر درخت طوبی جمع شوند سپس خداوند بادی برانگیزاننده فرستاد، آن باد در بهشت وزید و از درختهای بهشت، کافور و مشک و عنبر بر ملائکه ریخت... سپس خداوند جلیل بر خود ثنا کرد و فرمود: من سیده زنان عالم، فاطمه سلام الله علیها را همسر علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دادم و فرمود: ای جبرئیل! تو جانشین علی باش و من جانشین رسولم محمد و پس خداوند فاطمه را تزویج کرد و من برای علی قبول نمودم. این عقد نکاح فاطمه در آسمان است. پس ای محمد و تو در زمین عقد او را بخوان. رسول خدا به علی بن ابی طالب و بعد به فاطمه سلام الله علیها خبر داد و اصحابش را در مسجد جمع کرد. جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند امر کرده که علی خودش خطبه بخواند. [علی علیه السلام] خطبه خواند و فرمود: حمد مخصوص خدایی است که در جلال یگانه و در کمال فرد و تنهاست. آفریننده مخلوقاتش و زیبا گرداننده صفات خلقتش کسی که هیچ چیز مثل او نیست و مثل او نیست مگر خود او.

بندگان را در بلاد آفرید و ثنای خودش را به آنها الهام نمود پس آنها به حمد او، او را تسبیح و تقدیس نمودند و اوست خدایی که معبودی جز او نیست بندگان را به نکاح امر کرده و آنها اجابت نمودند و حمد، مخصوص خداست بر نعمتهایش شهادت می دهم بر نعمتهایش شهادت می دهم که معبودی جز الله

نیست، شهادتی که به او برسد و او را راضی گرداند و گوینده اش را نجات بخشد و حفظ نماید در روزی که انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان فرار می کند و خدا درود فرستد بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری که او را برای وحیش برگزید و از او راضی است درودی که او را به مقام قرب برساند و او را نزدیک گرداند و رحمت خدا بر خاندان و دوستداران او. نکاح از اموری است که قضا و اذن الهی به آن تعلق گرفته است و من بنده او و پسر او و پسر کنیز اویم. رغبتم به سوی خداست و بهترین زنان عالم را خواستگاری نمودم و مهر او چهارصد درهم نقد معین کردم. ای رسول و پیامبر ما! آیا او را بر سنت رسولان گذشته، به ازدواج من درخواهی آورد؟

پیامبر فرمود من فاطمه را همسر تو کردم ای علی و خداوند تو را همسر او قرار داد و تو را پسندید و اختیار نمود.

علی گفت: آن را از خدا و از تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبول کردم. وقتی فاطمه سلام الله علیها شنید که پدرش او را تزویج نموده و درهم ها را مهر او قرار داده است گفت پدرجان دختران سائر مردم بر درهم و دینار شوهر کنند شما هم مرا بر درهم و دینار تزویج نمودی. پس چه فرقی است بین دختر تو و سائر مردم؟ از خدا بخواه که مهر مرا شفاعت گنهکاران امت قرار دهد. جبرئیل همان لحظه نازل شد و در دستش حریری بود که در آن نوشته بود: «خداوند مهر فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را شفاعت گنهکاران امت او قرار داد.»

حضرت فاطمه سلام الله علیها به هنگام رفتن از این دنیا وصیت نمود تا آن در کفنش گذاشته شود و فرمود: وقتی روز قیامت محشور شوم این حریر را

بر میدارم و گنهکاران امت پدرم را شفاعت میکنم. (1)

ص: 44

حدیث شصت و چهارم:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نخستین کسی که وارد بهشت میشود، فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

دخترم فاطمه سلام الله علیها محشور گردد در حالی که حله کرامت - که به آب حیات مخلوط شده - در بردارد و تمام خلایق به آن نظر کنند و از آن تعجب کنند. سپس هزار حله از حله های بهشتی بر تن او پوشانده شود که بر هر یک با خط سبز نوشته شده است:

دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را داخل بهشت گردانید به زیباترین صورت و با بالاترین کرامت و نیکوترین منظر. هفتاد هزار کنیز موگّل او گردند و او را مانند یک عروس به سوی بهشت بدرقه کنند. (1)

حدیث شصت و پنجم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مرا به بهشت بردند، دیدم بر در آن نوشته شده:

«لا اله الا الله، محمد حبیب الله، علی ولی الله، فاطمه أمة الله، الحسن والحسین صفوة الله علی مَبْغِضِهِمْ لعنة الله.» (2)

حدیث شصت و ششم:

از ابن عباس روایت شده که گفت:

دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پنج سجده بدون رکوع به جا آوردند. پس من به ایشان گفتم: یا رسول الله! سجده بدون رکوع [حکمت این عمل چیست؟]

ص: 45

1- عیون اخبار الرضا شیخ صدوق ج 2 ص 33

2- خصال شیخ صدوق ص 323

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل نزد من آمد و به من گفت ای محمد! خداوند علی علیه السلام را دوست دارد پس من سجده کردم و سر از سجده برداشتم پس دوباره گفت خداوند فاطمه سلام الله علیها را دوست دارد. من سجده کردم و سرخویش را بلند نمودم. او گفت خداوند حسن علیه السلام را دوست دارد. من به سجده رفتم و سر از سجده برداشتم باز به من گفت: خداوند حسین علیه السلام را دوست دارد پس من سجده کردم و سر برداشتم. دوبار جبرئیل به من گفت: خداوند محبتین ایشان را نیز دوست دارد پس من به سجده رفتم و سر از سجده برداشتم. (1)

حدیث شصت و هفتم:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلمان را نزد حضرت فاطمه سلام الله علیها فرستاد. سلمان می گوید: من بر درب خانه ایستادم و سلام کردم. شنیدم که حضرت فاطمه سلام الله علیها در داخل خانه مشغول تلاوت قرآن است و آسیاب در حیاط چرخید در حالی که کسی آن را نمی چرخانید.

سلمان گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشستم و گفتم: ای رسول صلی الله علیه و آله و سلم خدا امر عظیمی مشاهده نمودم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای سلمان بازگو آنچه را که دیده ای و شنیده ای.

سلمان گفت: به در خانه دخترم فاطمه سلام الله علیها رفتم و بر او سلام کردم و شنیدم فاطمه القرآن میخواند و آسیاب در برون خانه میچرخید در حالی که کسی کنار آن نبود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تبسمی کرد و فرمود: ای سلمان! خداوند متعال، قلب و اعضای دخترم فاطمه را تا سر استخوانهایش سرشار از ایمان نموده است و وی خود را برای عبادت پروردگار فارغ نمود خداوند [هم] ملکی به نام

ص: 46

زوقاییل (و در روایت دیگر جبرئیل) را مأمور نموده تا آسیاب را بگردانند. خداوند کارهای دنیا و آخرت فاطمه سلام الله علیها را کفایت نموده است. (1)

حدیث شصت و هشتم:

از حضرت علی علیه السلام روایت شده:

مقداری جو از یک یهودی قرض کردند و آن یهودی چیزی بابت گرو از آن حضرت خواست و امیر مؤمنان چادر حضرت فاطمه ای را - که از پشم بود - بابت رهن به او دادند.

یهودی چادر را به خانه برد و در اتاقی گذاشت. به هنگام شب، زن آن شخص برای انجام کاری داخل اتاق شد و نوری دید که تمام اتاق را روشن کرده است. به سوی شوهرش آمد و به او اطلاع داد که در آن اتاق نور با عظمتی دیده است! مرد یهودی - که فراموش کرده بود چادر فاطمه سلام الله علیها در آن اتاق است - تعجب نمود و به سرعت داخل آن اتاق شد دید که شعاع نور آن چادر [به همه اطراف] منتشر می شود و گویا آن شعاع، شعله ای است از قرص کامل و نورانی ماه که از مکانی نزدیک می تابد. [یهودی] از [دیدن] آن تعجب نمود و با دقت به محل چادر نگاه کرد و دانست که آن نور از چادر فاطمه سلام الله علیها است. مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شدند و هر یک به سوی اقوام خویش شتافتند. هشتاد نفر از یهود جمع شدند و آن [چادر نورانی] را دیدند و همه آنها اسلام آوردند. (2)

حدیث شصت و نهم:

روایت شده یهود [مجلس] عروسی، داشتند به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ما [بر شما] حق همسایگی داریم از شما تقاضا می کنیم که

ص: 47

1- بحار الانوار ج 43 ص 46

2- مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 387

دخترت فاطمه سلام الله عليها را به خانه ما بفرستی تا موجب زینت عروسی ما باشد و در این مورد خیلی اصرار کردند تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمود: فاطمه سلام الله عليها همسر علی بن ابی طالب علیه السلام است و باید علی در این مورد نظر دهد آنها { وقتی این جواب را شنیدند } از رسول خدا تقاضا کردند که در این رابطه با علی علیه السلام صحبت کند و رضایت وی را جلب نماید.

زنان یهودی برای شرکت در آن، مجلس هرچه زیور و لباس فاخر جمع کردند و فکر می کردند که فاطمه باهمان لباسهای معمول روزمره در آن مجلس حاضر خواهد شد و آنان می خواستند او را مورد توهین و تحقیر قرار دهند. جبرئیل، لباس ها زیورها و حله هایی از بهشت آورد که مثل آن را ندیده بودند. حضرت فاطمه سلام الله عليها آنها را پوشید و خود را به آنها زینت کرد همه از زیبایی و رنگ و بوی خوش آنها تعجب نمودند و هنگامی که فاطمه [با آن وضعیت] وارد خانه یهودیان گردید زنان حاضر در مجلس [از روی بُهت و حیرت] در مقابل آن حضرت به سجده افتادند و زمین جلوی پای حضرت زهرا سلام الله عليها را می بوسیدند و بسیاری از یهودیان به سبب آنچه که دیدند اسلام آوردند. (1)

حدیث هفتم:

امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای تعالی (الله نور السموات و الارضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ [خدا نور آسمان ها و زمین است، حکایت نور او چون چراغدانی است])

فرمود: [آن چراغدان] فاطمه است.

(فيها مصباح) [در آن چراغدان چراغیست] آنچراغ حسن است. (المصباحُ في زُجَاجَةٍ [چراغ در حبایی بلورین است] آن حباب

ص: 48

بلورین، حسین‌ها است.

(الزُّجَّاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) [آن حباب بلورین مانند اختر درخشانی است] فاطمه سلام الله علیها اختری درخشان در میان زنان جهان است. (1)

فاطمه

فاطمه ای در یکتا در صدف *** فاطمه ای آفرینش را هدف

فاطمه ای محور اهل کسا *** مقصد حق از نزول هل اتی

فاطمه ای تاج تقوی را به سر *** فاطمه ام ایبهای پدر

فاطمه ای کُفو تو شیر خدا *** ای تو خود هم مصطفی هم مرتضی

هر چه ما گوئیم تو والاتری *** انبیاء و اولیاء را سروری

مدح تو گوید در آیاتش خدا *** وصف تو باید شنید از مصطفی

فاطمه ای شأن تو خیر النساء *** بلکه خیر الخلق و خیر الاولیاء

أعلم نسوان در این عالم توئی *** افضل نسل بنی آدم توئی

روح تقوا در تن ایمان توئی *** عالم کون و مکان را جان توئی

فاطمه ای نور چشم انبیاء *** حب تو آجر رسول مصطفی

فاطمه قدر تو ناید در خیال *** کس نیارد وصف تو جز ذوالجلال

فاطمه ای قُرَّة، العین رسول *** با ولای تو عبادت ها قبول

هست آزار تو آزار نبی *** سینه تو حرز اسرار نبی

ای تو تنها یادگار مصطفی در شدائد در کنار مرتضی

گرچه تنها گل توئی زین باغبان *** پر شده از تو گلستان جهان

مریم عذرا امیدش سوی توست *** خود یکی از سائلان کوی توست

الامین

گر بند احمد نبودی این فلک *** لطف او شد شامل جن و ملک
بعد احمد مقصد خلقت علی است *** این جهان از نور حیدر منجلی است
گشت از نور تو ای خیر الورا *** خلق نور مصطفی و مرتضی
روشن از نورت زمین و آسمان *** گر نبودی تو نبودی این جهان
سینه تو بوسه گاه مصطفی *** بر رخ ماهت نگاه مصطفی
بوی خوش دارد اگر باغ بهشت *** از وجود تو است ای گلبو سرشت
خانه ات منزلگه روح الامین *** کاتب رازت امیر المؤمنین
چار زن بنمود ایزد عالمه *** آسیه، مریم، خدیجه، فاطمه
فاطمه گردید شمع انجمن *** او بشد جان و سه دیگر همچو تن
ای پیمبر را تو همچون پاره تن *** محفل او را تو شمع انجمن
شادی تو شادی پیغمبر است *** از غم تو غم به جان حیدر است
فاطمه بنهاده نامت را خدا *** تا مُحَبِّ تو شود ز آتش جدا
گر غضب آری غضب آرد خدا *** با سرور تو رضا گردد خدا
نی فقط بر لطف تو امید ماست *** چشم عالم روز محشر بر شماست
فاطمه ای دستگیر انبیاء *** ای شفیع شیعه در روز جزا
رحمة للعالمین را دختری *** ای عجب هم دختری هم مادری
زوجة شاه ولایت حیدری *** هم ورا همسنگری، هم همسری
هم حسین و هم حسن را مادری *** هم امامان را چو تاجی بر سری

یازده برج ولایت نور تو است *** آسمان سینا و کوه طور تو است

چشم عالم در سخاوت سوی توست *** حاتم طایی گدای کوی توست

ای زکیه ای شهیده عالمه *** ای مطهر ای تقیه فاطمه

این توئی تنها و یکتا فاطمه *** فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

فقط ما را امید روی توست *** چشم هر امیدواری سوی توست

ص: 50

عمر سرآید شود دنیا تمام *** مدح تو آخر بماند نا تمام
ریزه خوارخان تو خیل بشر *** رحمت حق از تو جاری سر بسر
آدم و حوا بر این فرزند پاک *** عاشقند و واله اند و سینه چاک
کشتی نوح از تو آرامش گرفت *** ام موسی از تو آسایش گرفت
گوشه چشمی گر تو بر عالم کنی *** جمله عالم پیرو خاتم کنی
گر کند فرعون بر تو التجا *** لطف تو او را کند از اولیاء
نسل احمد از تو عالم گیر شد *** دشمن تو ابتر و دلگیر شد
خواست احمد را دهد حق کوثری *** داد او را همچنان تو دختری
هدیه سرمد به احمد فاطمه است *** خیر مطلق بر بی حد فاطمه است
ای شب قدر محمد فاطمه *** سوره یاسین احمد فاطمه
هل اتی در شأن تو نازل شده *** دین حق از شوی تو کامل شده
آنکه بر احمد فرستد صد سلام *** بی سلام تو سلامش نا تمام
از چه رو مخفی است قبرت فاطمه *** چون ندانستند قدرت فاطمه
لیله القدر پیمبر فاطمه *** از هزاران قدر برتر فاطمه
انما در شأن شویت آمده *** جبرئیل وحی سویت آمده
هر چه میگوئیم از تو ای کریم *** قطره ای باشد از آن بحر عظیم
قدر دریا کی شناسد یک حباب *** ما کم از ذره تو سر از آفتاب
بشکند دستی که بر آن ماه زد *** بی وضو سیلی به وجه الله زد
ماه افتاد و زمین شرمنده شد *** آتش خشم خدا طوفنده شد
گر بگیریم تا به محشر چون سحاب *** می نگرود سرد این قلب کباب
صبر باید تا کند قائم قیام *** تا ز اعدایش بگیرد انتقام

اشک ریزان خواست «مهدی» از خدا *** تا بحق فاطمه (س) بخشد ورا

سید مهدی طباطبائی

ص: 51

1. پیامبر (ص) فرمود: نام دخترم زهرا نامیده شد بخاطر اینکه...

الف - شیعیان او و ذریه اش را از آتش باز داشته و بر کنار داشته اند.

ب - خداوند او را از نور عظمت خود آفریده است.

ج - فرشتگان بزرگواری او را کمک می کنند.

د - گرینه الف وب

2. خداوند متعال فرمود مهریه فاطمه (س) چقدر است؟

الف - نصف دنیا

ب - فدک

ج - آسمان ها و زمین

د - تمام دنیا

3. محبت و دوستی فاطمه (س) در کدام مواقع سود خواهد داشت؟

الف - هنگام مردن و قبر

ب - میزان و محشر

ج - صراط و محل حسابرسی بندگان

د - همه موارد

4. حضرت فاطمه (س) کدام قسمت از نهال وجود پیامبر است؟

الف - ساقه آن

ب - میوه های درخت

ج - لقاح (مایه باروری آن)

د - اصل درخت

5. نزدیک ترین اوقات زن به خدای خود چه هنگامی است؟

الف - هنگامی که در کنج خانه خود باشد

ص: 52

ب - هنگامی که شب زنده داری کند

ج - احترام به پدر و مادر کند

د - تقوا پیشه کند

6. فاطمه چه موقع 3 بار گفت از خدا و رسول راضی گشتم؟

الف - هنگامی که پیامبر از سفر باز می گشت

ب - هنگامی که پیامبر به او ذکری آموخت که از خدمتگزار بهتر است

ج - هنگامی که فاطمه (س) گردنبدش را فروخت

د - هنگامی که پیامبر به به او فرمود تو سیده همه زنانی

7. با کدام کلمات توبه حضرت آدم پذیرفته شد؟

الف - به حق محمد و آل محمد (ص)

ب - اللهم صل علی محمد و آل محمد

ج - اللهم صلی علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها

د - به حق محمد علی فاطمه حسن و حسین

8. هنگامی که اهل بیت نذر روزه کردند برای شفای حسنین کدام سوره نازل شد؟

الف - الرحمن

ب - کوثر

ج - هل آتی

د - بقره

9. مقصود از زهره و فرقدان کیست؟

الف - فاطمه (س) - حسنین (ع)

ب - پیامبر (ص) - علی (ع)

ج - فاطمه (س) - علی (ع)

د - پیامبر (ص) - حسنین (ع)

ص: 53

10. حضرت فاطمه (س) در آسمان چه نام دارد؟

الف - زهرا

ب - منصوره

ج - طاهره

د - بتول

11. نبوت هیچ پیامبری به کمال نرسید تا اینکه به... و... حضرت زهرا (س) اقرار کرد.

الف - مهر و فضل

ب - محبت و معرفت

ج - مهر و محبت

د - فضل و معرفت

12. هرکس بر رسول خدا (ص) و بر حضرت زهرا (س) سه روز سلام دهد...

الف - جایگاه او همچو شهید است

ب - بهشت را بر او واجب سازد

ج - از شفاعت شان برخوردار است

د - گزینه الف و ج

13. خداوند بنا به تقاضای حضرت زهرا (س) مهر او را چه قرار داد؟

الف - شفاعت گنهکاران امت او

ب - 400 درهم نقد

ج - هفتاد هزار کنیز

د - گزینه الف و ب

14. نخستین کسی که وارد بهشت میشود کیست؟

الف- امام حسین (ع)

ب - حضرت علی (ع)

ج - پیامبر (ص)

د - حضرت فاطمه (س)

15 ملکی به نام... مأمور است تا آسیاب درون خانه حضرت فاطمه (س) را بچرخاند.

ص: 54

الف - زوقبيل

ب - جبرئيل

ج - گزينه الف و ب

د - اسرافيل

16. کدام آيه در مورد حضرت فاطمه (س) است؟

الف - الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة

ب - الزجاجاة كانها كوكب درى

ج - كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها في السماء

د - گزينه الف و ب

نام و نام خانوادگى: ...

شماره تماس: ...

ص: 55

بدرستی که مساجد خدا را کسانی آباد میکنند که ایمان به خدا و روز آخرت دارند. (توبه / آیه 18)

خیریه امیر مؤمنان (ع) با عنایات حضرت علی (ع) قصد ساخت 1001 مسجد روستائی دارد. این خیریه با اتکال به خداوند متعال و بهره گیری از کمکهای اهالی هر محل و خرید مصالح نیم بها و استفاده از خدمات رایگان مهندسی با 30 تا 50 میلیون تومان یک مسجد روستائی میسازد که بحمدالله تاکنون بیش از 600 مسجد ساخته و بهره برداری شده و یا در حال ساخت میباشد.

هر خانواده محترم میتواند با اختصاص این مبلغ و بصورت اقساط بانی یک مسجد شود که از بهترین و ماندگارترین باقیات الصالحات میباشد.

چنانچه پیامبر اکرم فرمودند:

هرکس مسجدی بسازد خداوند متعال خانه ای در بهشت برای او بنا میفرماید.

ما میتوانیم با صرفه جوئی در برخی از هزینه ها از خداوند متعال بخواهیم توفیق ساخت یک مسجد را به ما هم عنایت فرماید.

برای اطلاعات بیشتر با خیریه امیر مؤمنان (ع) تماس حاصل فرمائید.

ما در انتظار روزی هستیم که اعلام کنیم در کشور اسلامی ایران هیچ روستائی بدون مسجد نیست و دست تکفیرهای ضد ولایت را از روستاهای خود کوتاه کرده ایم. ان شاء الله

آدرس: اصفهان - خیابان شهید باهنر - کوچه 11 - مجمع خیرین مسجد ساز

شماره تماس: 031-33451001-3

سیدرضا واعظی 09131189467

رسول تاجی زادگان 09133254173

تلگرام 09031183335

www.masjed1001.ir

شماره حساب 0102273513003

شماره کارت 6037691980003180

شبا 03-5130-2273-0010-0000-0190-88-IR بانک صادرات

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

